

سنت ۱۶ آذر، ...

از صفحه ۲

شکل دادن به هویت مستقل و ویژه خود برداشتند.

شکی نیست که جنبش دانشجویی نه یک جنبش سیاسی بلکه یک جنبش اجتماعی با خواست ها و اهداف ویژه خود است. از جمله این خواست ها به رسمیت شناختن اراده این جنبش بمثابه یک جنبش با هویت و جایگاه اجتماعی مشخص است. اما در کشور ما، فضای سیاسی برای تنفس جنبش های اجتماعی چنان تنگ و در حد هیچ است که این جنبش ها با هر تلاشی برای حضور عملی در محاصره مراکز قدرت حکومتی درآمده، مورد هجوم قرار می گیرند و تلاش می شود که این جنبش ها در هم شکسته و یا تبدیل به ضد خود و آلت فعل حکومت شوند.

اما جنبش دانشجویی علیرغم تجارب تلخ خود از این یورش ها بویژه در دوران حکومت اسلامی، همواره بعد از هر شکستی چون ققنوس از خاکستر خویش برخاسته است و بر امکانپذیر بودن ادامه حیات جنبش های اجتماعی در زیر سیطره حتی حکومت های دیکتاتوری صحه گذاشته است. جنبش هایی که بدون ریشه دواندن همه جانبه آن ها در ارکان جامعه امکان رهائی از گردونه استبداد و دیکتاتوری محال است.

مسئله جنبش دانشجویی یک جنبش سیاسی به معنای اخص کلمه نیست و سازمان های دانشجویی نباید و نمی توانند جایگزین احزاب سیاسی و یا در صورت وجود چنین احزاب واقعی، ادامه بازوی آن ها در دانشگاه ها باشند. اما این واقعیت را نیز نباید از نظر دور داشت که برای حکومت های مستبد، هر خواست حق طلبانه ای و از طرف هر کسی، سیاسی و قد علم کردن در مقابل قدرت قاهره مستبدین و نقض ارزش های تلقی می شود که شب و روز در بوق تبلیغاتی بمثابه حقایق مطلق دمیده می شوند. همین واقعیت هم از دو جهت این جنبش را تهدید می کند، از یک طرف از طریق غلطیدن به

دامی که پهن شده است و دست زدن به ماجراجویی های سیاسی، از طرف دیگر اجتناب از طرح خواست های مشخص در هراس از تعبیر و تفسیر از آن ها بعنوان خواست های سیاسی. تاکنون جنبش دانشجویی ایران بیشتر راه اول آزموده است. حتی در سال های اخیر بخشی از فعالین آن بمثابه جریان سیاسی در پوشش دفتر تحکیم در ائتلاف درونی جناحی از حکومت عمل کرده اند. ولی همین بخش از فعالین دانشجویی نیز امروز به تجربه آموخته اند

که نقطه قوت جنبش دانشجویی در استقلال آن از مراکز قدرت و حضور آن بمثابه جنبش اجتماعی با خواست های مشخص اجتماعی و سیاسی و صیقل

دادن به روحیه انتقادی آن در برابر قدرت حکومتی است. بخصوص آن که در این حکومت حقوق اولیه اتحاد جامعه لگدکوب شده و افراد به جرم بیان عقیده به اعدام محکوم می شوند.

رهاورد ۱۶ آذر امسال اگر همین هم باشد که جنبش دانشجویی در مصاف با استبداد و بی حقوقی به درک موقعیت خود بعنوان یک جنبش مدنی نزدیک تر شده و به ضرورت تثبیت موقعیت مستقل خود رسیده باشد، در

دستیابی به آرمان تاریخی ۱۶ آذر و در مسیر تبدیل از یک جنبش اعتراضی به یک جنبش مستقر، گام مهمی به جلو برداشته است.



بهترین راهکار برای خروج از بن بست برگزاری رفراندوم سراسری است

مردم با شرکت در انتخابات گوناگون نظر خود را در باره امور مختلف بهد روشنی اعلام داشته اند و صاحبان قدرت به هر طریقه ممکن در برابر خواست آنان مقاومت نموده و با شیوه تحریف و انکار، از پاسخ گویی به مطالبات مردم طفره رفته اند. لذا برای خروج از بن بست کنونی بهترین راهکار برگزاری رفراندوم سراسری در امور اختلافی است

جنبش دانشجویی ایران امروزه بیش از هر زمانی به پیگیری مطالبات مردم و حقوق آنان مصمم شده است و همینطور بیش از همیشه تحت فشارهای پلیسی - امنیتی قرار گرفته است. آیا دشمن فرض کردن دانشجویان و برخورد خصمانه با آنان راه نجات جامعه است؟ آیا توهین به دانشجو توهین به ساحت علم نیست؟ توهین به دین نیست؟ آیا گماشتن نیروهای امنیتی - اطلاعاتی برای نظارت بر امور دانشجو، ایجاد تشکیلات نظامی به اسم دانشجو، واگذاری امور عمومی دانشگاهها به حراست، اقدام به جاسوسی و استراق سمع، تأمین کننده امنیت دانشگاه و حافظ حرمت علم و دانش است؟ و عالم توسعه علمی به شمار می رود؟ اصلاً چگونه روش علمی که مبتنی بر تحقیق و پرسش و تفکر است با تحکم، اقتدار و بسیج نظامی می تواند سازگار باشد؟ ما ضمن محکوم کردن روشهای استبدادی در محیطهای علمی از مسئولین دانشگاهها و دیگر مسئولین مربوطه می خواهیم که هر چه سریعتر نسبت به این سیاست دانش کش، غیر علمی و مستبدانه پایان دهند.

(بخشی از قطعنامه پایانی تجمع دانشجویان دانشگاه اصفهان و علوم پزشکی

به مناسبت بزرگداشت روز دانشجو)